

Re-examining the Possibility of Rejecting the Sun in Surah Saad According to Allameh Tabatabai*

Rohollah Zaheri**
Mohamadreza hosaini nia***
Zahra Zaheri***

Abstract

It is stated in Surah "Saad" that Sulayman (AS) neglected the remembrance of God (evening prayer) due to visiting a number of horses, so he said: "Rodduha Alaia". In explaining the reference of the pronoun in "رُدُّوْهَا عَلَيَّ Rodduha Alaia" as well as the sentence "تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ Tawarat bi al hijab", two theories of the return of "the sun" or "horses" are mentioned; However, there are serious problems in both statements. This paper, with an emphasis on the views of Allameh Tabatabai and by re-examining the interpretations of the two main Islamic sects and with analytical method using authentic interpretative sources with an aim of disambiguation of the reference of the pronoun has come to a new hypothesis that although the correct view is the "return of the sun", but what is meant is not the return of the sun in the opposite direction, but its meaning is "the movement and transfer of Sulayman (AS)" to the west.

Keyword: Rejection of the sun, Suleiman (AS), Asr Prayer, Reject it for me.

* Received: 2021-10-04 Accepted: 2022-11-06

** Ph.D Student of Quran and Hadith Sciences of university of Ilam. Ilam, Iran.
(The Corresponding Author) Email: rohollahz1360@gmail.com

*** Associate Professor of Quran and Hadith Sciences of university of Ilam.
Ilam, Iran. Email: hoseinnia@ilam.ac.ir

*** Ph.D Student of Quran and Hadith Sciences of university of Ilam. Ilam, Iran.
Email: Rm201047@yahoo.com



دو فصلنامه تفسیر پژوهی

سال نهم، جلد اول، پیاپی ۱۷

بهار و تابستان ۱۴۰۱

صفحات ۲۲۶-۱۹۷

مقاله علمی - پژوهشی

DOR: 20.1001.1.24235490.1401.9.1.7.3

بازپژوهی امکان ردّ شمس در سوره «ص» با محوریت دیدگاه علامه طباطبائی*

روح‌الله زاهری**

محمد رضا حسینی نیا***

زهرا زاهری****

چکیده

در سوره «ص» بیان شده که سلیمان (ع) به سبب اشتغال به بازدید تعدادی اسب، از ذکر خداوند (نماز عصر)، غافل شد، لذا آن حضرت فرمود: «رُدّوها علیّ». در تبیین مرجع ضمیر «رُدّوها علیّ» و نیز جمله «تَوَارَتْ بِالْحِجَاب»، دو قول بازگشت «خورشید» یا «اسبها» ذکر شده است؛ اما در هر دو قول اشکالات جدی وجود دارد. این مقاله به روش علمی - تحلیلی با محوریت دیدگاه علامه، ضمن بازپژوهی در تفاسیر فریقین و نیز استفاده از منابع تفسیری معتبر، با هدف رفع ابهامی که بر مرجعیت ضمیر، عارض گردیده، ضمن ارائه فرضیه‌ای جدید، به این نتیجه رسیده که هر چند دیدگاه صحیح، قول «بازگشت خورشید» است؛ اما مراد، بازگشت خورشید در جهت معکوس نیست، بلکه مفهوم آن، «جاب‌جایی و انتقال سلیمان (ع)» به سمت غرب است.

کلیدواژه‌ها: ردّ شمس، سلیمان (ع)، نماز عصر، ردّوها علیّ.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام. ایلام، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل:

rohollahz1360@gmail.com

hoseinnia@ilam.ac.ir

*** دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام. ایلام، ایران. ایمیل:

Rm201047@yahoo.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

مقدمه

قرآن کریم کتاب آسمانی و معجزه جاوید اسلام، همان‌گونه که در ادوار گذشته مورد توجه و تفحص دانشمندان بوده است، در عصر کنونی و بالطبع در ادوار آتی نیز مورد توجه قرار گرفته و در رهگذر زمان و پیشرفت علم بشری به تدریج زوایایی دیگر از علوم نهان آن منکشف می‌گردد. این اشارات علمی قرآن بیان‌گر علم لایتناهی حضرت باری تعالی و مؤیدی دیگر بر جنبه اعجازی قرآن است. برخی اشارات این کتاب عظیم که مفاهیم آن همواره مانند تجدد خورشید و ماه، پویا و جاری است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۱/۱)، ابهاماتی بر مفاهیم آنها عارض گردیده که شماری از این ابهامات در رهگذر پیشرفت‌های علمی بشر، جنبه‌های ابهام آنها برطرف شده است و ضمن رفع ابهام، بشر را در تأملی عمیق‌تر در علم نهفته در این کتاب مقدس فرو می‌برد. آیه ۳۳ سوره «ص»، به موضوع «ردّ شمس» (بازگردانده شدن خورشید برای سلیمان «ع»^۱) اشاره نموده است که مفسران، در چگونگی تفسیر و توجیه معنایی این آیه، نظرات مختلف و متفاوت و احياناً تفسیرهایی غیرقابل قبول ارائه داده‌اند.

برخی مفسران معنای «رُدّوها علیّ» را به همان معنای ظاهر «ردّ شمس» و بازگردانده شدن «خورشید» برای سلیمان (ع) دانسته‌اند و در توجیه سؤالاتی از قبیل اینکه چگونه این فعل (تغییر در مدار و جهت حرکت خورشید) امکان‌پذیر است در حالیکه علم دقیق امروزی حتی کوچک‌ترین تغییری در زمان و نحوه حرکت و چرخش اجرام فضایی در منظومه شمسی را عاملی در دگرگونی‌های قابل توجه این منظومه می‌داند و نیز پرسش‌هایی از قبیل اینکه چگونه در ممالک مختلف آن زمان موضوعی با این شگفتی ثبت و گزارش نشده دچار تکلف گردیده‌اند. برخی دیگر از

مفسران (خصوصاً معاصر)، «رُدّوها علیّ» را به معنای بازگرداندن اسبان (و نه خورشید) برای تکرار سان و رژه به نزد سلیمان (ع) تفسیر کرده‌اند که این گروه نیز در ارائه پاسخی اقلع‌کننده بر اشکالاتی از قبیل متناسب نبودن ضمیر «ها» که ضمیر مفرد است برای اسبان (صافنات) که اسم جمع است و نیز متناسب نبودن این تفسیر با ظاهر آیات پیشین که اشاره به غروب خورشید (حتی توارت بالحجاب) نموده است (با توجه به کلمه عشیّ به معنای عصرگاه)، عاجز مانده‌اند.

علامه طباطبایی، در تفسیر این آیه، ضمن بیان نظرات مفسران، احتمال دو مورد از دیدگاه‌ها را برتر دانسته است. این مقال بر آن است که با محور قرار دادن دیدگاه‌های برتر از نظر علامه به ارزیابی و «تقویت» یکی از دیدگاه‌های ترجیحی وی پرداخته و در نهایت با ارائه فرضیه‌ای جدید در این رابطه به اثبات امکان «رُدّ شمس» از لحاظ علمی با توجه به مبحث روش‌شناسی تفسیر (هرمنوتیک) بپردازد و به این سؤالات پاسخ دهد که اولاً دیدگاه صحیح کدام است؟ و ثانیاً «رُدّ شمس» (و امکان بازگرداندن شدن خورشید) به چه مفهوم و به چه نحوی بوده است؟

بیان مسئله

در مبحث بازدید سلیمان (ع) از اسب‌ها (الصافنات الجیاد) و مسئله «رُدّ شمس» (بازگرداندن شدن خورشید)، نظرات مفسران در مورد تفسیر صحیح و مرجع ضمیر در «رُدّوها علیّ» و «توارت بالحجاب» و نیز در رابطه با اینکه بازگرداندن خورشید به چه معنا و به چه نحوی صورت گرفته است، به سه وجه است. برخی «رُدّوها علیّ» را در معنای «بازگردانیده شدن خورشید» جهت جلوگیری از قضاء شدن نماز عصر سلیمان (ع) مطرح نموده‌اند؛ برخی آیه را به معنای «بازگرداندن اسب‌ها» دانسته‌اند

(جهت سان مجدد و یا ذبح کردن آنها) و برخی، هر دو معنا (بازگردانده شدن خورشید و بازگردانده شدن اسب‌ها) را محتمل دانسته و ذکر کرده‌اند. در این نوشتار، ضمن بیان آراء هر گروه از مفسران، پیشینه هر دیدگاه را به صورت جداگانه مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده و سپس دیدگاه ارجح، ذکر خواهد گردید. با توجه به این نکته که مفسران شیعه و سنی، احتمالات مذکور را به صورت مختلط مطرح کرده و اختلاف بنیادین از نظر نحوه تفسیر این آیه با یکدیگر ندارند، لذا آراء مفسران فریقین صرفاً بر اساس تاریخ حیات آنها ذکر می‌گردد.

۱- آراء گروه اول (بازگرداندن خورشید)

این گروه از مفسران، در تفسیر آیه «رُدُّوها علیّ»، معنای «بازگردانده شدن خورشید» را مطرح نموده‌اند.

مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰ ق.) نقل نموده که معنای آیه، این است که «خورشید غروب کرد و سلیمان (ع) نماز عصرش قضاء گردید به همین علت سلیمان (ع) امر کرد که خورشید را به من باز گردانید» (مقاتل، ۱۴۲۳: ۳/۶۴۴). فرّاء (م. ۲۰۷ ق.) می‌گوید که «اسب‌ها بر او عرضه شد تا اینکه خورشید غروب کرد و نماز عصر را نخواند» (فرّاء، ۱۹۸۰: ۲/۴۰۴). معمر بن مثنی (م. ۲۰۹ ق.) نقل نموده که «حتّی توارت بالحجاب» یعنی «خورشید پنهان شد و در اضمار فرو رفت» (معمر بن مثنی، ۱۳۸۱: ۲/۱۸۲). قمی (م. ۳۰۷ ق.) بیان نموده که: «روزی تعدادی اسب بر سلیمان (ع) عرضه گردید و سلیمان (ع) مشغول آنها گردید تا اینکه خورشید غایب گشت و نماز عصر از او فوت گردید سپس سلیمان (ع) دعا کرد و خداوند خورشید را برای او بازگرداند و سلیمان (ع) نماز عصر را خواند» (قمی، ۱۳۶۳: ۲/۲۳۴).

ماتریدی (م. ۳۳۳ ق.) بیان کرده که: «منظور از توارت بالحجاب، تواری و پنهان شدن خورشید در حجاب است» (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۶۲۴/۸). طبرانی (م. ۳۶۰ ق.) می‌گوید: «توارت بالحجاب کنایه از خورشید است و آن ذکری که سلیمان (ع) آن را فراموش کرد، نماز عصر بوده است» (طبرانی، ۱۴۲۹ ق: ۳۴۶/۵). سمرقندی (م. ۳۷۵ ق.) نقل کرده که: «توارت بالحجاب یعنی اینکه خورشید غایب و پنهان گشت» (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱۶۶/۳)؛ بغوی (م. ۵۱۶ ق) بیان نموده که: «ذکری که سلیمان (ع) آن را فراموش کرد نماز عصر بود و جمله توارت بالحجاب یعنی خورشید پنهان گشت» (بغوی، ۱۴۲۰: ۶۸/۴)؛ سیوطی (م. ۹۱۱ ق.) ضمن آوردن روایتی از ابن عباس بیان کرده که: «خورشید در حجاب فرو رفت و نماز عصر از سلیمان (ع) فوت گردید» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰۹/۵).

لازم به ذکر است که ائمه اهل بیت (ع)، همین دیدگاه (بازگردانده شدن خورشید) را پذیرفته و اهمّ روایات وارده از ائمه (ع) به این شرح است که طبرسی (م. ۵۴۸ ق.) بیان نموده: «ابن عباس می‌گوید که از علی (ع) در مورد آیه ردّ شمس سؤال کردم، امام (ع) فرمود: خورشید پنهان شده و در حجاب فرو رفت» (طبرسی، بی‌تا: ۷۴۱/۸). در «ترجمه تفسیر مجمع البیان» نیز این رویداد به این نحو آمده که «ابن عباس می‌گوید درباره آیه ردّ شمس از علی (ع) پرسش کردم، فرمود چه چیزی را از آن شنیده‌ای؟ گفتم: از «کعب الاحبار» شنیده‌ام که گفت: سلیمان (ع) مشغول سان دیدن اسب‌ها شد تا نمازش فوت گردید، ناراحت شده و گفت اسب‌ها را به سوی من بازگردانید. پس علی (ع) فرمود: «کعب» دروغ گفته، زیرا سلیمان (ع) نماز عصرش فوت شد و خورشید در نقاب مغرب چهره پوشید، سلیمان (ع) به امر خداوند به خورشید دستور بازگشت داد و آن بازگشت و او نماز عصر را به جای آورد» (بهشتی،

بازپژوهی امکان ردّ شمس در سورۀ «ص» با محوریت دیدگاه علامه طباطبایی / روح‌الله زاهری ۲۰۳

۱۳۵۲: ۱۰۲/۲۱). کلینی و شیخ صدوق نیز در کتب خود به تفسیر این آیه اشاره نموده‌اند که جهت پرهیز از تکرار و اطالۀ مطالب، در ادامه به اهمّ آن روایات در کتب متأخرین پرداخته می‌شود.

حویزی (م. ۱۱۱۲ ق.) با ذکر روایتی از کتاب کافی، معنای «توارت بالحجاب» را بازگشت خورشید دانسته و با ذکر روایتی از امام باقر (ع) بیان کرده که نمازی که از سلیمان (ع) فوت شده نماز نافله بوده است (نه فریضه). در ادامه به نقل روایتی با همین مضمون از علل الشرایع می‌پردازد؛ حویزی سپس به نقل از کتب من لایحضره الفقیه، مجمع البیان، تفسیر قمی، «ردّوها علیّ» را در روایات به معنای بازگردانیده شدن خورشید دانسته است. (حویزی، ۱۴۱۵: ۴/۴۵۵). فیض کاشانی (م. ۱۰۹۰ ق.) به شیوۀ حویزی بیان نموده که: «ضمیر «ها» در جمله «ردّوها علیّ» ضمیری است که به خورشید برمی‌گردد و معنای آیه این است که خورشید غروب کرده است؛ سپس فیض کاشانی به ذکر روایات در این رابطه پرداخته و با ذکر روایاتی که کلینی و صدوق و طبرسی در تفسیر این آیات آورده‌اند، «ردّوها علیّ» را ناظر به بازگردانیدن خورشید، تفسیر نموده است.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴/۲۹۸).

بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) بیان کرده که: «روزی اسبانی بر سلیمان (ع) عرضه گردید تا اینکه خورشید غایب شده و نماز عصر آن حضرت فوت گردید؛ پس خداوند خورشید را بر او بازگرداند و او نماز عصر را خواند؛ وی سپس به ذکر روایات وارده در این زمینه برگرفته از کتاب‌های من لایحضره الفقیه و مجمع البیان پرداخته و به شیوۀ فیض کاشانی و حویزی به ذکر روایات دالّ بر تفسیر «ردّوها علیّ» به بازگردانیده شدن خورشید می‌پردازد (بحرانی، ۱۴۱۵: ۴/۶۵۴). قمی مشهدی (م ۱۱۲۵ ق) نیز

درکنزالدقائق در تفسیر این آیه، به همین روش بحرانی عمل نموده است. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۳/۵۳۰).

در منابع روایی (خصوصاً شیعه) موضوع «ردّ شمس» در مواردی دیگر و برای غیر از سلیمان (ع) نیز مطرح شده و گزارشاتی مبنی بر وقوع این پیشامد در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) مشاهده می‌گردد، شیخ مفید با بیان اینکه این اتفاق (ردّ شمس) دو بار دیگر نیز (یکی در زمان پیامبر اکرم «ص» و دیگری پس از او) با حضور علی (ع) انجام پذیرفته است، هر دو مورد این پیشامد را با اسناد خود ذکر نموده است. (مفید، ۱۳۸۰: ۳۳۳-۳۳۶)، البته در سایر آثار شیخ مفید (مانند کتاب «امالی»)، نیز به این موضوع اشاره شده است (مفید، ۱۳۶۴: ۴۱۲) و مضمون این رویداد (ردّ شمس با حضور امام علی «ع»)، در علل الشرائع (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۱۴۳/۲-۱۴۹)، کشف الغمّه، (اربلی، بی تا: ۱/۳۸۹-۳۹۰)؛ بحار الانوار (محمدتقی مجلسی، بی تا: ۳/۵۸-۶۱) و نیز در کتب دیگر از قبیل «ترجمه عدّه الدّاعی»، (نایبجی نوری، ۱۳۸۱: ۱/۹) و نیز ۸۸-۸۹ ذکر شده است.

۲- آراء گروه دوم (بازگرداندن اسبان)

برخی از مفسران (خصوصاً مفسران معاصر)، این آیه را به بازگردانده شدن اسبان (صافنات) تفسیر کرده‌اند. عمده آراء و دلایل این گروه مبنی بر دلالت آیه به بازگردانده شدن اسبان، در تفسیر نمونه، گزارش شده است، به این مضمون که معنای جمله «حتی توارت بالحجاب» این است که «اسبها» از دیدگان سلیمان (ع) پنهان شدند؛ و سپس سلیمان (ع)، مجدداً فرمان داد که اسبها را نزد وی بازگردانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۹/۲۷۴). مؤلف تفسیر نمونه، ضمیر در آیه «ردّوها علی» را به

باز پژوهی امکان ردّ شمس در سوره «ص» با محوریت دیدگاه علامه طباطبایی / روح‌الله زاهری ۲۰۵

معنای «بازگردانده شدن اسب‌ها» می‌داند و مدعی است که تفسیر آیه به «بازگرداندن اسب‌ها»، موافق چیزی است که بعضی از مفسران همچون فخر رازی برگزیده‌اند. وی در اثبات نظر خود، به عبارتی از سید مرتضی علم الهدی اشاره می‌کند که چگونه ممکن است خداوند در آغاز این آیات، سلیمان (ع) را مورد مدح قرار دهد، سپس بلافاصله کار زشتی (سهل‌انگاری در خواندن نماز) به وی نسبت دهد؟ (علم الهدی: بی تا، ۹۳) و (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ۱۹/۲۷۵).

با توجه به این نکته که این دیدگاه (دوم) از سوی غالب مفسران به ضمیمه دیدگاه گروه اول ذکر شده و کمتر به صورت دیدگاه مستقل یک مفسر بیان شده، لذا جهت عدم تکرار، به بررسی آراء گروه سوم - که دیدگاه گروه دوم نیز در آن ذکر شده است - پرداخته می‌شود.

۳- برخی هر دو احتمال را مطرح نموده‌اند

برخی از مفسران فریقین، احتمال صحت هر دو تفسیر را مطرح نموده‌اند.

طبری (م. ۳۱۰ ق.) بیان نموده که: «بر سلیمان (ع) اسب‌هایی عرضه گردید تا اینکه نماز از او فوت گردید»، طبری از «سدّی» نقل کرده است که سلیمان (ع) از اداء فریضه غافل گردید و سپس به نقل از «قتاده» می‌گوید که آن فعلی که از سلیمان (ع) فوت گردید نماز عصر بوده است؛ سپس طبری می‌گوید که: «از علی (ع) در مورد «صلاه الوسطی» پرسیده شد که امام (ع) فرمود که آن همان نماز عصر است که سلیمان (ع) با آن مورد ابتلاء قرار گرفت و معنای توارت بالحجاب، به حجاب و پوشش رفتن خورشید است» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۹۹/۲۳)؛ سپس طبری در قولی متغایر، از «سدّی» نقل کرده که: «معنای ردّوها علیّ این است که سلیمان (ع) فرمود اسب‌ها

را به بازگردانید، همان اسب‌هایی که من را مشغول به خود کرده و از ذکر خداوند غافل کردند» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۰/۲۳). نحاس (م. ۳۳۸ ق.) در ضمن بیان دیدگاه فرّاء در مورد توارت بالحجاب، هر دو معنای بازگردانده شدن خورشید و نیز بازگردانده شدن اسب‌ها را مطرح نموده است (نحاس، ۱۴۲۱: ۳/۳۱۱). جصاص (م. ۳۷۰ ق.) نیز به هر دو مورد یعنی «خورشید» و «اسب‌ها» اشاره می‌کند (جصاص، ۱۴۰۵: ۲۵۷/۵).

ثعلبی (م. ۴۲۷ ق.) بیان کرده که برخی معنای «ردّوها علیّ» را ناظر به فرمان بازگرداندن اسب‌ها دانسته‌اند، اما وی سپس به روایتی از علی (ع) اشاره می‌کند که در آن امام (ع) ضمن مردود شمردن این نظریه (که کعب الاحبار آن را مطرح کرده)، آن را ناظر به خورشید و بازگردانده شدن آن می‌داند، ثعلبی سپس دیدگاه «مقاتل» مبتنی بر تأیید فرموده علی (ع) در تفسیر آیه به فرور رفتن خورشید در حجاب و نیز بازگردانده شدن خورشید را بیان نموده است. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸/۲۰۰-۲۰۱). ماوردی (م. ۴۵۰ ق.) بیان نموده که در تفسیر آیه «توارت بالحجاب» دو قول وجود دارد که یکی از آنها این است که خورشید در حجاب و پوشش رفت (و روایتی از علی (ع) مبتنی بر این نظر نقل نموده است) و قول دیگر این است که اسب‌ها از دید سلیمان (ع) پنهان شده و در حجاب قرار گرفتند. (ماوردی، بی تا: ۹۲/۵-۹۳).

شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق.) از «جبائی» نقل کرده که نمازی که از سلیمان (ع) به واسطه حجاب خورشید، فوت شد، نماز فریضه و واجب نبوده بلکه نمازی مستحبی بوده و در تفسیر «توارت بالحجاب» به معنای فرو رفتن خورشید در حجاب اشاره نموده است (طوسی، ۱۳۸۹: ۵۶۰/۸)؛ سپس از «رمانی» نقل می‌کند که وی «ردّوها علیّ» را در معنای بازگرداندن اسب‌ها تفسیر کرده است. (طوسی، ۱۳۸۹: ۵۶۱/۸).

میبدی (م. ۵۳۰ ق) بیان نموده که «توارت بالحجاب» به معنای در حجاب رفتن

باز پژوهی امکان ردّ شمس در سوره «ص» با محوریت دیدگاه علامه طباطبایی / روح‌الله زاهری ۲۰۷

خورشید است و بر این مدّعا روایتی را از علی (ع) نقل نموده است؛ سپس از «کلبی» نقل می‌کند که «رُدّوها علیّ» را به معنای بازگرداندن اسب‌ها دانسته است. (میبدی، ۱۳۷۱: ۳۴۸/۸-۳۴۹).

طبرسی (م. ۵۴۸ ق.) به نقل از «حسن بصری» بیان نموده که اسب‌ها سلیمان (ع) را به خود مشغول کردند تا اینکه خورشید غروب کرد و نماز عصر سلیمان (ع) از وی فوت گردید؛ طبرسی سپس از «جبایی» نقل کرده که نمازی که از سلیمان (ع) فوت گردید، نماز نافله بوده است. وی در ادامه به تعدادی از مفسران که «رُدّوها علیّ» را ناظر به بازگرداندن اسب‌ها می‌دانند اشاره می‌نماید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۱/۸)؛ در ترجمه مجمع‌البیان نیز بیان شده است که: «گفته شده که اسبان، سلیمان را از نماز عصر باز داشته و مشغول کرد تا وقت آن سپری شد» و در ادامه بیان کرده که: «برخی گفته‌اند: ضمیر (توارت) به خیل و اسب‌ها برمی‌گردد». (بهشتی، ۱۳۵۲: ۱۰۰/۲۱-۱۰۲)؛ مضمون این دو احتمال در تفسیر این آیه (بازگرداندن خورشید و یا اسبان)، در جوامع الجامع (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۳۵/۳) و به طور مفصل در ترجمه جوامع الجامع (امیری شادمهری، ۱۳۷۴: ۳۳۷/۵ - ۳۳۶) نیز بیان شده است.

فخررازی (م. ۶۰۶ ق.) بیان کرده که: «جمله «رُدّوها علیّ» هم ممکن است ناظر به خورشید باشد و هم ممکن است ناظر به اسب‌ها باشد» و سپس احتمالات مختلف را در تفسیر این آیه به تفصیل ذکر کرده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۰/۲۶).

بیضاوی (م. ۶۸۵ ق.)، معنای «توارت بالحجاب» را ناظر به غروب خورشید، ولی مرجع ضمیر در «رُدّوها علیّ» را ناظر به اسب‌ها دانسته است. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۹/۵). ابن جزی (م. ۷۴۱ ق.) به هر دو معنای بازگردانده شدن خورشید و اسب‌ها و نیز به اختلاف نظر مفسران اشاره می‌نماید. (ابن جزی، ۱۴۱۶: ۲۰۸/۲). اندلسی (م.

۷۴۵ ق.) به نقل از «ثعلب» بیان کرده که ظاهر این است که ضمیر در «توارت بالحجاب» به اسبها بازمی‌گردد و ادامه داده که «گفته شده که ضمیر به خورشید بازمی‌گردد هر چند که نام خورشید نیامده است و کلمه «عشی» دلالتی بر این معنا است» (اندلسی، ۱۴۲۰: ۱۵۴/۹). برخی از متأخرین نیز به هر دو احتمال التفات داشته‌اند از قبیل کاشانی (م. ۹۸۸ ق.) در منهج الصادقین، که هر دو احتمال (بازگردانیده شدن خورشید و یا اسبان) را مطرح نموده (کاشانی، بی‌تا: ۵۰/۸-۵۲) و در خلاصه این تفسیر مجدداً به هر دو احتمال اشاره داشته است (کاشانی، ۱۳۶۳: ۹۴/۵).

دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی، هر دو احتمال (مذکور در گروه سوم) را مطرح کرده است؛ وی در تفسیر این آیه، ابتدا تفاسیری که از این چند آیه ذکر گردیده را بیان نموده و پس از ارائه توضیحاتی در مورد مرجع ضمیر «ها» در «رُدّوها علی»، در معنای «توارت بالحجاب» می‌گوید: «ضمیر در توارت به کلمه شمس برمی‌گردد، با اینکه قبلاً نامش نیامده بود، ولی از کلمه عشی که در آیه قبلی بود استفاده می‌شود؛ و سپس بیان می‌کند که: «مؤید اینکه ضمیر به خورشید برمی‌گردد کلمه «عشی» در آیه قبلی است، چون اگر مقصود تواری خورشید نبود، ذکر کلمه عشی در آن آیه بدون غرض می‌شد»، علامه در نهایت، معنای آیه را به این نحو می‌داند که سلیمان (ع) فرموده است که: «من آن قدر به اسب علاقه یافتم، که وقتی اسبان را بر من عرضه کردند، نماز از یادم رفت تا وقتش فوت شد و خورشید غروب کرد».

با تأمل در اظهارات فوق، در نگاه نخست، از نظر علامه، منظور از «توارت بالحجاب» و ضمیر در «رُدّوها علی»، خورشید است و علامه، معنای آیه را غروب

خورشید دانسته است؛ اما وی پس از بیان این دیدگاه، اشاره‌ای به دیدگاه دیگر (دیدگاه گروه دوم) نموده و بیان می‌کند که: «بعضی دیگر از مفسرین گفته‌اند: ضمیر در توارت به کلمه خیل برمی‌گردد و معنایش این است که سلیمان از شدت علاقه‌ای که به اسبان داشت، بعد از سان دیدن از آنها، همچنان به آنها نظر می‌کرد، تا آنکه اسبان در پشت پرده بعد و دوری ناپدید شدند».

علامه پس از طرح این دیدگاه اخیر، نظر ترجیحی خود یعنی همان دیدگاه اول (غروب خورشید و نه بازگشت اسبها) را ابراز می‌دارد و می‌گوید: «در سابق گفتیم که: کلمه عشی در آیه قبلی، مؤید احتمال اول است و هیچ دلیلی هم، نه در لفظ آیه و نه در روایات، بر گفتار این مفسر نیست». علامه در تکمیل دیدگاه خود، به اینکه بعضی از مفسران و نیز برخی از روایات اهل بیت (ع)، ضمیر در «ردّوها» را مربوط به «شمس» می‌دانند اشاره می‌کند، سپس می‌گوید که برخی از مفسران مرجع ضمیر در «ردّوها علی» را واژه «خیل» (اسبها) دانسته‌اند. علامه، در پایان جمع‌بندی تفسیر این آیه، بیان می‌کند که: «از بین همه وجوه، همان وجه اول قابل اعتماد است، البته اگر لفظ آیه با آن مساعد باشد، و گر نه وجه دوم از همه بهتر است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۰-۳۰۸).

تحلیل

برایند آراء و دیدگاه‌های فوق‌الذکر، دو احتمال اصلی در تفسیر این آیه از سوی مفسران به همراه دارد، (احتمال بازگردانده شدن خورشید و احتمال بازگردانده شدن اسبها)، اما بر هر کدام از تفاسیر این دو گروه اصلی، نقد و اشکالات اساسی و مهمی وجود دارد. اهم اشکالاتی که بر دیدگاه گروه اول (تفسیر آیه به بازگردانده شدن خورشید) وارد شده است این موارد است:

۱- واژه «شمس» در «حتی توارت بالحجاب» بیان نشده است در حالی که لفظ «صافنات» صریحاً در آیه ذکر شده است و برگشت ضمیر به نزدیک‌ترین مذکور (صافنات الجیاد) اولویت دارد.

۲- نحوه بیان جمله «رُدّوها علی» (آن را بر من بازگردانید) لحنی دستوری و آمرانه است و ممکن نیست که سلیمان (ع) با چنین لحنی از خداوند و یا فرشتگان درخواست بازگرداندن خورشید را بنماید.

۳- کسی که توانایی آن را دارد که خورشید را بازگرداند، خداوند است، بنابراین واجب است که به صورت ضمیر مخاطب «مفرد» بگوید «رُدّها علی» و نگوید «رُدّوها علی».

۴- مسئله «ردّ شمس»، اما اشکالات روشنی (با عنایت به یافته‌های علمی جدید) دارد که جز در موارد قیام دلیل روشن نمی‌توان آن را پذیرفت. در ادامه این اشکال لازم به ذکر است که در واقع، اینکه خورشید به عقب بازگشته باشد مستلزم تغییر و تحول در نظام آفرینش است و تحویل و تبدیل در سنت‌های الهی توسط قرآن منتفی اعلام شده است؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «فلن تجد لسنن الله تبدیلا و لن تجد سنن الله تحویلا» (فاطر: ۴۳)، ضمن اینکه دانشمندان امروزی معتقدند که کوچک‌ترین تغییراتی در نحوه گردش اجرام آسمانی پیرامون زمین منجر به حوادث شگفت‌انگیزی خواهد شد. توجه به همین «علم روز» است که اکثریت غالب ترجمه‌های اخیر قرآن، مانند ترجمه‌های «آیتی، پاینده، حلبی، رهنما، فارسی، بهرام‌پور، برزی، پورجوادی، خواجوی، صفارزاده، کاویانپور، مجتبیوی، مشکینی، انصاریان، مکارم، ارفع، رضایی، طاهری، نویری و قرائتی»، «رُدّوها علی» را «به بازگردانده شدن اسب‌ها» ترجمه کرده‌اند.

۵- آیات قبل از این آیه با تمجید از سلیمان (ع) آغاز می‌گردد، در حالی که این آیه به مذمت وی می‌انجامد. منطقی و جایز نیست که ابتدای آیه وی را ستایش نماید ولی بلافاصله فعل قبیحی (قضاء شدن نماز) را به او نسبت دهد.

۶- اگر نماز واجب از سلیمان (ع) فوت شده باشد، توجیه آن مشکل است و اگر آن نماز، نافله و مستحبی بوده است ردّ شمس چه لزومی داشته است؟

۷- اگر چه تفسیر این آیه به بازگردانده شدن خورشید (ردّ شمس) در روایات متعددی در منابع حدیثی و روایی آمده است، اما با دقت در اسناد این احادیث مشخص خواهد شد که این روایات هیچ کدام سند معتبری ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۲۷۶-۲۷۷).

در اشکالی دیگر که فخر رازی، آن را مطرح کرده است بیان شده است که: «اگر خورشید بعد از غروب کردن دوباره برمی‌گشت به طور قطع این را اهل دنیا مشاهده می‌کردند و اگر کار این چنین بود ادعاکنندگان بر نقل و اظهار آن زیاد بودند و همین که احدی این اتفاق را نقل نکرده به صحت این داستان خلل وارد سازد» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۲۰۵).

اما در طرف مقابل، بر دیدگاه گروه دوم (تفسیر آیه به بازگردانده شدن اسبها) نیز اشکالاتی وجود دارد که اهمّ آن موارد ذیل است:

۱- در روایات متعددی که از اهل بیت (ع) در منابع حدیثی صادر گردیده است، آیه به بازگردانده شدن خورشید (نه اسبان)، معنا و تفسیر شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۹ / ۲۷۷).

۲- واژه «عشی» در آیه قبل از آن، مؤید احتمال اول (یعنی ردّ شمس) است و هیچ دلیلی هم نه در لفظ آیه و نه در روایات بر گفتار این مفسر (یعنی ارجاع ضمیر به صافنات) نیست. (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۴۷: ۱۷ / ۳۰۹).

۳- اگر مقصود سلیمان (ع)، باز گرداندن اسبها بود، باید با توجه به تعداد زیاد آن اسبها از «ضمیر جمع هنّ یا هم» در این آیه استفاده می‌شد و می‌فرمود: «رُدّوهنّ یا رُدّوهُم» نه اینکه بفرماید «رُدّوها»؛ زیرا ضمیر «ها» ضمیر مفرد است، بنابراین

معنای صحیح آیه این است که «آن را به من باز گردانید» (نه آنها را)؛ آیه از ضمیر جمع (یعنی هنّ یا هُم) استفاده نکرده که بگوید «آنها را به من بازگردانید»، بلکه یک شیء مفرد (یعنی شمس) مورد طلب بوده است. توجه به اشکالات فوق، حتی برخی ترجمه‌های معاصر از قبیل «الهی قمشه‌ای و یاسری» را نیز وادار به پذیرش دیدگاه بازگردانده شدن «خورشید» (علی‌رغم اشکالات مطرح شده بر خود این دیدگاه) نموده است. حال به بررسی دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر این آیه پرداخته می‌شود.

آنچه از بیانات علامه استنباط می‌گردد این است که نظر راجح علامه همان دیدگاه اول است ولی با این وجود، اشکالاتی در چگونگی تفسیر خویش از این آیه وارد دانسته است و به همین علت دیدگاه دوم را نیز محتمل دانسته است. می‌توان گفت که علامه، با وجود اینکه نخست، آیه شریفه را ناظر به بازگشت خورشید دانسته است اما (با توجه به تاریخ حیات علامه و آگاهی ایشان به علوم و کشفیات جدید در مورد اجرام فضایی)، به این سبب که در مواجهه با پرسش‌هایی که چگونگی عقلانیت این موضوع (یعنی چگونگی امکان بازگشت خورشید و نحوه این بازگشت) را مورد سؤال قرار داده‌اند، پاسخ مناسبی نداشته، به دیدگاه دوم گریزی زده است، هر چند بر طبق سخنان خود علامه با توجه به مواردی که خود وی هم ذکر نموده است از نظر او ضمیر «ها» در «رُدّوها علیّ» به «شمس» برمی‌گردد و مقصود از آیه، بازگردانده شدن خورشید است (نه بازگردانده شدن اسب‌ها).

این نوشتار اکنون بر آن است که با ارائه فرضیه‌ای نو، با پاسخ به چگونگی و امکان بازگشت خورشید، دیدگاه اول علامه را تقویت نموده به نحوی که نیازی به اشاره به دیدگاه دوم نبوده و اشکالات این تفسیر مرتفع گردد. بر اساس فرض مطرح شده در این مقال، «رُدّ شمس» به این معنا نیست که خورشید از مسیر حرکت خود و از غرب

به شرق برگشته باشد چرا که اساساً خورشید حرکتی به دور زمین ندارد و این زمین است که حرکت انتقالی دارد و به دور خورشید می‌چرخد، بلکه معنای آن این است که سلیمان (ع)، خود، با اسباب و ابزاری که در دست داشته است جابه‌جا شده و به سمت مغرب (که هنوز خورشید در آن نواحی غروب نکرده بود) حرکت (سریع) نموده و به آن نواحی انتقال یافته است. اصولاً این زمین است که به دور خورشید می‌چرخد، نه اینکه خورشید در حال حرکت بر محور زمین باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا سلیمان (ع)، قادر به جابه‌جایی و انتقال از محل سکونت خود (بیت‌المقدس در فلسطین کنونی) به ناحیه‌ای از زمین که هنوز خورشید در آنجا غروب نکرده (مانند مصر و دریای مدیترانه) و این نقل مکان و حرکت مستلزم سرعت بسیار زیاد نیز هست، بوده است یا خیر؟

در بررسی ادعای امکان انتقال و جابه‌جایی سلیمان (ع) و امکانات و توانایی وی بر این امر (انتقال سریع به سمت مغرب)، بر طبق آیات همین سوره (ص) و سایر آیات و سور مرتبط با حیات سلیمان (ع) (مانند سوره سبأ)، می‌توان اثبات کرد که آن حضرت امکان نقل مکان به سمت غرب را داشته است؛ اسباب جابه‌جایی و انتقال سلیمان (ع) عبارت هستند از:

۱- هنگامی که سلیمان (ع) اراده فرمود که تخت ملکه سبأ را حاضر سازد، عفرتی از جن، ابراز داشت که قبل از اینکه آن حضرت از جایگاه خویش برخیزد قادر است که تخت را از یمن (بر طبق روایات) آورده و نزد وی حاضر سازد (نمل: ۳۹). لذا یکی از اسبابی که در اختیار سلیمان (ع)، جهت جابه‌جایی و نقل مکان بوده است، استفاده از عفريت جن و نیز اجنه‌ای از این جنس می‌تواند باشد.

۲- پس از پیشنهاد آن عفريت، فردی که در آن مجلس حضور داشت، خطاب به سلیمان (ع) ابراز داشت که قادر است تخت را تنها در یک چشم بر هم زدن نزد وی

حاضر سازد (نمل: ۴۰) و سپس (با سرعتی فوق‌العاده) تخت ملکه سبأ را با آن بُعد مکانی، تنها در یک چشم بر هم زدن نزد آن حضرت حاضر نمود. حاصل اینکه حضرت سلیمان (ع) برای انتقال و جابه‌جایی خود نیز (که بالطبع از جابه‌جایی تخت ملکه سبأ دشوارتر نبوده) می‌توانسته است که از وجود این فرد مذکور (که در روایات آن شخص آصف بن برخیا معرفی شده است) استفاده نماید؛ البته «صاحب علمی از کتاب بودن» صرفاً مختص به وصی سلیمان (ع) نبوده است و به عنوان نمونه، مفسران، در تفسیر آیه ۴۳ سوره «رعد»، «صاحب علم کتاب» را ناظر بر امام علی (ع) دانسته‌اند، و می‌توان «داشتن علمی از کتاب» (که در قرآن در مورد آصف برخیا و در روایات نیز در مورد امام علی (ع) مطرح شده است) نقطه مشترک حرکت و جابه‌جایی در مکان که در مورد این اولیاء صورت پذیرفته است، دانست که در آیات قرآن در سوره «رعد» و «نمل» به آن اشاره شده است.

در تبیین این آیه که می‌فرماید: «قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، روایات متعددی در منابع شیعی (حلی، بی‌تا: ۱۰۹)؛ و اهل سنت (حاکم حسکانی، بی‌تا: ۱/ ۴۰۲)، وجود دارد که «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» را به امام علی (ع) تفسیر نموده است همان‌طور که در مورد آیه ۴۰ سوره نمل نیز که می‌فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ»، مفسران، کسی که «علمی از کتاب» را دارا بود «آصف بن برخیا» دانسته‌اند. (حُرانی، بی‌تا: ۹۱/۴).

۳- در قرآن در مورد سلیمان (ع) آمده که: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوًّا شَهْرًا وَرَوَاحُهَا شَهْرًا» (سبأ: ۱۲). خداوند متعال، باد را مُسخر وی نمود و باد مذکور این امکان را دارا بود که در زمانی اندک، به اندازه مسافتی که در مدت یک ماه باید طی شود، جریان و حرکت داشته باشد؛ لذا باد (ریح)، با اوصاف مذکور که به اذن الهی، تحت امر

سلیمان (ع) بوده است، می‌تواند به سادگی مورد بهره‌برداری آن حضرت قرار گرفته و در زمینه جابه‌جایی و نقل مکان آن حضرت مورد استفاده قرار گیرد.

۴- اگر چنانچه عامل حجاب خورشید در ناحیه محل سکونت سلیمان (ع) مثلاً فقط وجود کوه یا تپه‌ای بوده است در این فرض بدون نیاز به موارد فوق‌الذکر و تنها با استفاده از همان اسبان تیزرو (الصفان الجیاد) می‌توان با حرکت و جابه‌جایی به سمت غرب و گذر از آن کوه (یا تپه)، خورشید را مشاهده و موجبات برداشتن حجاب خورشید را فراهم نمود.

با توجه به موارد مذکور و حصول اطمینان از اینکه برای سلیمان (ع) به سهولت (با استفاده از اسباب فوق‌الذکر) مقدور بوده که فعل جابه‌جایی خود را انجام دهد می‌توان ادعا نمود که حرکت و انتقال از مشرق زمین به سمت مغرب و برداشتن حجاب و نیز بازگرداندن شدن خورشید، فعلی است که در دوران کنونی نیز که ابزار جابه‌جایی و حرکت سریع، پیشرفت فوق‌العاده یافته است برای هر کسی (در صورت وجود ابزار) امکان‌پذیر است؛ به این نحو که می‌توان با حرکت سریع از مشرق به مغرب، به راحتی از غروب آفتاب (حجاب) عملاً گریز نمود؛ مثلاً کسی که که نماز عصر او در کشور ایران قضاء شده باشد می‌تواند در صورت داشتن ابزار مناسب و سریع (مانند هواپیما) به سمت کشورهای غربی ایران حرکت نموده و در آن کشورها که در غرب ایران هستند و خورشید هنوز غروب نکرده است نماز را به صورت اداء (و نه قضاء) به جا آورد.

با توجه به کروی بودن زمین و نحوه چرخش زمین به دور خورشید حتی می‌توان در صورت مهیا بودن ابزار (مانند هواپیما و کشتی تند رو) به نحوی در کره زمین از جهت شرق به غرب جابه‌جا شد که تمام وقت خود را در روشنایی روز گذراند (این ادعا در مورد گذراندن تمام وقت خود در شب نیز صادق است). مردم آن عصر از

کروی بودن زمین و نحوه گردش آن به دور خورشید اطلاع درست (و علمی) نداشتند، اما سلیمان (ع) با در اختیار داشتن اسباب جابه‌جایی سریع، به راحتی برای وی میسر بود که به سرزمین‌های غربی مجاور، انتقال یافته و مجدداً خورشید را رؤیت نموده و نماز را در حضور خورشید (و به صورت اداء) به جا آورد.

حویزی، روایتی از امام صادق (ع) درباره اسباب جابه‌جایی که در اختیار سلیمان (ع) بوده است بیان نموده که: «فَكَانَ يُصَلِّيُ الْغَدَاةَ بِالشَّامِ، وَ الظُّهْرَ بِفَارِسَ، وَ كَانَ يَأْمُرُ الشَّيَاطِينَ أَنْ يَحْمِلُوا الْحِجَارَةَ مِنْ فَارِسَ وَ يَبْعُونَهَا بِالشَّامِ ...» (حویزی، ۱۴۱۵: ۴/۴۵۵). در این روایت (با فرض صحت سند) به این موضوع اشاره شده که برای سلیمان (ع) مقدور بوده که (با استفاده از اسباب خاص خویش) در شرایطی که اگر صبح یک روز در منطقه شام حضور داشته است به راحتی ظهر همان روز به منطقه فارس (ایران) منتقل گردد. سهولت جابه‌جایی برای سلیمان (ع) موضوعی است که از قرآن نیز قابل استنباط است، اما نکته‌ای که توجه به آن ضروری می‌نماید این است که در جایگاه‌های مختلف آیات قرآنی که به مورد سلیمان (ع) اشاره شده است، نخستین چیزی که جلب توجه می‌نماید همین «اسباب حرکت و جابه‌جایی» است که در اختیار وی قرار داده شده است و مفسران متقدم و متأخر فریقین، متفقاً به این توانایی و امکان جابه‌جایی سلیمان (ع) در مسافت‌های طولانی اشاره کرده‌اند.

«توانایی و امکان جابه‌جایی»، نکته کلیدی است که در تفسیر این آیه، از آن غفلت شده است که البته مفسران ادوار گذشته با توجه به اینکه در مورد نحوه حرکت و گردش خورشید و زمین، فاقد دانش دقیق در این زمینه بودند، بالطبع در نحوه اینکه خورشید چگونه می‌تواند بازگردانده شود، سخنی اقناع‌کننده برای ارائه نداشته‌اند و لذا برخی برای نیل به تفسیر صحیح آیه، ضمیر را به اسب‌ها (صافنات) مربوط دانستند که

این تفسیر نیز خود، با اشکالاتی (که اشاره گردید) مواجه گشت؛ برخی مفسران متأخر و معاصر نیز با توجه یافته‌های علمی روز و برای گریز از این اشکال که آیا بازگشتن خورشید اصولاً از لحاظ علمی و منطقی امکان دارد و اینکه این بازگشت به چه صورتی بوده است و سؤالاتی از این قبیل، ناگزیر شده که از اساس، مسئله بازگرداندن شدن خورشید را تفسیری ناصحیح از سوی قدما قلمداد کرده و احیاناً با ضعیف شمردن روایات متعدد از لحاظ سندی، تمام تفاسیر و روایاتی را که ناظر بر برگرداندن شدن خورشید (نه برگرداندن اسب‌ها) است مردود اعلام کنند که نمونه آن تفاسیری است که در تفسیر نمونه مطرح شده است.

در عصر حاضر نیز در صورت مهیا بودن امکانات و ابزار مناسب، بازگشت خورشید برای همه افراد بشر امکان‌پذیر بوده بدین معنا که کافی است برای نیل به این مقصود از مشرق، به سمت مغرب کره زمین حرکت نمود و تنها محدودیت در انجام این امر، وجود یا عدم وجود امکانات برای این جابه‌جایی است (باید ابزار جابه‌جایی قادر به حمل و جابه‌جایی سریع افراد باشد). با توجه به مطالب پیش گفته می‌توان ادعا نمود که سلیمان (ع) در آن زمان ابزار مورد نیاز برای جابه‌جایی از شرق به غرب را دارا بوده (عفریت جنّ، صاحب علمی از کتاب، باد) و لذا با توجه به مهیا بودن وسایل جابه‌جایی و انتقال سریع، سلیمان (ع)، فعلی را که انسان امروزی تنها در سایه پیشرفت‌های علم و تکنولوژی قادر به انجام آن است، در آن زمان انجام داده است.

این پرسش که چرا قرآن کریم در رابطه با حرکت و جابه‌جایی سلیمان (ع) از شرق به غرب صرفاً به جمله «رُدّوها علیّ» بسنده کرده است را می‌توان در رابطه با موضوع «هرمنوتیک» در تفسیر آیات جستجو نمود؛ به این معنا که در بررسی مفهوم دقیق آیه باید به این نکته توجه ویژه‌ای داشت که دانسته‌ها و یافته‌های علمی عموم

مردم آن دوران، خصوصاً در مورد ستارگان و نحوه حرکت اجرام فضایی، اندک (و غالباً اشتباه) بوده است اما در عصر حاضر، به موازات پیشرفت‌های علمی بشر، یافته‌های جدیدی از نحوه حرکت خورشید و زمین دانسته می‌شود که مثلاً فاصله متوسط بین زمین و خورشید ۱۴۹,۶۰ میلیون کیلومتر است و طی یک مدار کامل در هر ۳۶۵,۲۵۶ روز رخ می‌دهد؛ که برای پیمودن آن، زمین ۹۴۰ میلیون کیلومتر حرکت کرده است. اطلاعات علمی در مورد نحوه حرکت اجرام فضایی (مانند خورشید و زمین) در آن اعصار، محدود و اساساً بر مبنای نظریه ناصحیح «زمین مرکزی» بوده است.

بر اساس نظریه زمین مرکزی «بطلمیوس» (۱۶۸م.) از اخترشناسان یونان باستان (که احتمالاً در اسکندریه مصر می‌زیسته) (ای.ام. دیاکوف، ۱۳۸۰)، زمین، در مرکز جهان قرار دارد و اجرام آسمانی دیگر به دور آن می‌گردند. بر اساس این نظریه، که نظریه «زمین مرکزی» نام دارد، زمین، ثابت است و ماه و خورشید و پنج سیاره شناخته شده آن روزگار، یعنی عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل، در مدارهایی دایره‌ای به دور زمین می‌گردند. این نظریه تا حدود قرن ۱۶ میلادی مطرح بوده است. (گرمان، ۱۳۶۷)

نظریه زمین مرکزی مطرح شده توسط بطلمیوس، کلیه حرکات را در آسمان توصیف کرده و در کتابی به نام «المجسطی» خلاصه شده است که بخشی از آن توصیفات بدین شرح است: ۱- زمین در مرکز عالم است و در برابر گنبد آسمان نقطه کوچکی است. ۲- گنبد مستدیر آسمان با ستارگانی که بر آن چسبیده‌اند در هر شبانه‌روز یک دور از مشرق به مغرب به دور زمین می‌چرخد. خورشید، ماه و سیارات حرکاتی مضاف بر این نیز انجام می‌دهند. ۳- خورشید در هر سال مضافاً دوری به دور زمین را طی می‌کند.

بر مبنای نظریات بطلمیوس، اعتقاد به مرکزیت داشتن زمین تا قرن شانزدهم میلادی همه‌گیر و مورد قبول بوده است. به موازات پیشرفت‌های علمی، نظریه زمین مرکزی بطلمیوس، به شیوه علمی از اساس مردود، و نظریه «خورشید مرکزی» جایگزین آن شد. کوپرنیک (۱۵۴۳ م.)، نظریه «خورشید مرکزی» را به صورت علمی بیان نمود که در آن زمین در مرکز کائنات قرار ندارد، بلکه این خورشید است که در مرکز منظومه شمسی است و سایر سیارات از جمله زمین به دور آن در حال گردشند. (ر.ک. روزن، ۱۹۸۶: ج ۷). بر اساس نظریه خورشید مرکزی، زمین و سایر سیارات به دور خورشید، نسبتاً ثابت در مرکز سامانه خورشیدی می‌گردند. در قرن بعد، «یوهانس کیپلر» این نظریه را تشریح کرد و همچنین «گالیله» مشاهدات تجربی برای این نظریه با استفاده از تلسکوپ ارائه داد. (لوسیو روزو، ۲۰۰۴: ۲۹۳-۲۹۶).

سیر تطور علمی در مورد چگونگی حرکت افلاک و خصوصاً زمین و خورشید در طی قرن‌ها تحقیق دانشمندان به نتایجی که امروزه ارائه می‌شود رسیده است؛ لذا چنانچه بیان گردید قطعاً معلومات علمی مردم در دوران سلیمان (ع) و نیز در عصر نزول قرآن و حیات پیامبر (ص) در مورد نحوه چرخش و حرکت زمین و خورشید بسیار محدود (و اشتباه) بوده و حتی حدود ده قرن پس از وفات پیامبر (ص) نیز وضعیت به همین منوال بوده است، زیرا ستاره‌شناسی در دوران اسلامی - و پس از پیامبر (ص) - نیز بر اساس نظریه نادرست زمین مرکزی بطلمیوس پایه نهاده شد و نخستین ستاره‌شناسان مسلمان که در نیمه دوم قرن سوم هجری در بغداد ظهور یافتند. (ر.ک. نلینو، ۲۰۱۶) نیز بالطبع بر طبق نظریه بطلمیوس، زمین را مرکز جهان می‌دانستند که خورشید به دور آن می‌چرخد.

پیامبران الهی مانند سلیمان (ع) و نیز محمد (ص) در قرآن کریم (با توجه به مسئله هرمنوتیک) به تناسب مقتضیات عقلی و علمی متناسب با زمان خویش و به

میزان سطح فکری متناسب با آن دوره، با مردم عصر خویش تکلم می‌فرمودند. پیامبر (ص) می‌فرماید: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۳)؛ البته نباید از این نکته نیز غفلت ورزید که پیامبران الهی، اساساً به منظور «هدایت بشر» مبعوث شده‌اند (نه اکتشافات علمی و اثبات آن)، لذا آنان در محدوده وظایف «هدایتی» خود عمل نموده و (هر چند بعضاً از لابه‌لای کلام آنان مطالبی علمی نیز قابل استنباط است) هرگز طرح و اثبات مباحث علمی را بر جنبه هدایتی مقدم نداشته‌اند؛ لذا در مواردی از این قبیل نیز سلیمان (ع) و پیامبر اکرم (ص)، بدون تفصیل و توضیح مبسوط، به همین میزان کلام محدود و مختصر (جمله «رُدّوها علیّ») اکتفا نموده و به علت عدم ضرورت و جهت عدم خروج از غرض اولیه خود (هدایت)، از بیان چگونگی و نحوه «رُدّ شمس» و توضیحات تفصیلی در مورد آن، به همین مقدار اندک بسنده نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

از دو گروه اصلی مفسران، یعنی مفسرانی که ضمیر در آیه «رُدّوها علیّ» را مربوط به بازگشت «خورشید» دانسته و آنان که، آن را مربوط به بازگردانده شدن «اسب‌ها» می‌دانند، هیچ کدام در مواجهه با اشکالات وارده بر تفاسیر خود، پاسخی قاطع و اقناع‌کننده ارائه نکرده‌اند. در تفسیر این آیه باید به این نکته توجه داشت که مردم معاصر نزول قرآن و بالطبع معاصر با سلیمان (ع)، اطلاعاتی جامع و صحیح از کروی بودن زمین و نحوه گردش زمین حول خورشید و اینکه اساساً خورشید حرکتی به دور زمین ندارد و زمین گرد خورشید می‌چرخد (و نه بالعکس)، نداشته‌اند و از طرفی پیامبران هر عصر نیز، متناسب با شرایط و مقتضیات عقلی مردم آن عصر و نیز میزان

توانایی و تسلط آنها در درک و فهم مطالب با آنان تکلم نموده‌اند، لذا قرآن کریم در داستان حضرت سلیمان (ع)، به همین کلام مختصر (رُدّوها علیّ) اکتفاء نموده است. در بررسی علمی آیات قرآنی، مذاقّه بر شرایط محیطی و اجتماعی مردمان عصر نزول، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است (مبحث هرمنوتیک)؛ این نکته در مورد مفسران اسلامی نیز قابل تأمل است، زیرا در این آیه، غالباً (و به اشتباه)، بر اساس پیش فرض ناصواب نظریه زمین مرکزی بطلمیوس و با این پیش فهم که خورشید، حرکت انتقالی دارد و دور زمین می‌چرخد به «مسئله ردّ شمس» می‌نگریسته‌اند. اگر «ردّ شمس» در این آیه به معنای جابه‌جایی و حرکت سریع سلیمان (ع) از سمت مشرق به سمت مغرب معنا شود (نه اینکه خورشید جابه‌جا و به عقب بازگشته باشد)، مشاهده می‌شود که بازگردانده شدن خورشید (در معنای جابه‌جایی) در صورت وجود ابزار مناسب، خصوصاً در دوران کنونی، فعلی ساده و امکان‌پذیر است. در رهگذر زمان، تفسیر دقیق و صحیح برخی از آیات که در قرون و اعصار گذشته مشکل می‌نمود، با عنایت به علوم اکتشافی جدید، منکشف و ساده‌تر، می‌شود که خود می‌تواند بیانگر بُعدی از ابعاد اعجاز علمی قرآن نیز باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۰ش)، *علل الشرائع*، (ترجمه ذهنی تهرانی)، قم: مؤمنین.
- ابن جزّی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، *التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت: شرکت دار الأرقم بن ابی الأرقم.
- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط*، بیروت: دار الفکر.
- ابوعبیده، معمر بن منی (۱۳۸۱ق)، *مجاز القرآن*، قاهره: مکتبه الخانجی.

- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۲)، کشف الغمة (ترجمه و شرح زواره‌ای)، تهران، اسلامیه.
- امیری شادمهری، احمد (۱۳۷۵ش)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ای.ام.دیاکونوف (۱۳۸۰)، تاریخ ماد (ترجمه کریم کشاورز)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق)، البرهان، قم: موسسه البعثة.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، معالم التنزیل، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بهشتی، احمد (۱۳۵۲)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران، فراهانی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حاکم حسکانی، عبید الله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل، تهران: وزارت ارشاد.
- حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳ش)، تحف العقول، قم: چاپ علی اکبر غفاری.
- حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق)، مختصر بصائر الدرجات، قم: انتشارات الرسول المصطفی.
- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
- روزن، ادوارد (۱۹۸۶)، نیکولوس کپرنیک، دائرة المعارف آمریکا، چاپ بین‌المللی، جلد ۷.
- روزو، لوسیو (۲۰۰۴)، انقلاب فراموش شده، برلین.
- سازمان ملی هوانوردی و فضایی (ناسا) (۲۰۱۵در ۲۹ ژوئیه)، خورشید، حقایق و ارقام، اکتشاف منظومه شمسی.
- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر السمرقندی، بیروت: دارالفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور، قم: کتابخانه مرعشی نجفی (ره).
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۲۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، اردن (ارید): دارالکتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان، بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- علم‌الهدی، علی بن الحسین (۱۳۷۶)، تنزیه الأنبیاء (ع)، قم: الشریف الرضی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعه العلمیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۳۵۹ ش) معانی القرآن، قاهره: هیئته المصریه العامه للکتاب.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، قم: دار الکتب
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش)، کنز الدقائق، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- کاشانی، فتح الله بن شکر الله (۱۳۶۳ش)، خلاصه المنهج، تهران: اسلامیه.
- کاشانی، فتح الله بن شکر الله (بی تا)، منهج الصادقین، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گرمان، هوشنگ (۱۳۶۷)، نظریه گرانث نیوتنی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق)، تأویلات أهل السنه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، النکت و العیون، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۱۴ق)، لوامع صاحبقرانی، قم: اسماعیلیان.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۰ش)، الإرشاد (ترجمه ساعدی)، تهران: اسلامیه.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۴ش)، الأمالی، (ترجمه استاد ولی)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، کشف الاسرار، تهران: امیرکبیر.
- نایبجی نوری، محمدحسین (۱۳۸۱)، ترجمه عده الداعی ابن فهد حلی، تهران: کیا.

نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، اعراب القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه.

نلینو، کرلو الفونسو (۲۰۱۶)، مروری بر کتاب تاریخ نجوم اسلامی.

Bibliography

The Holy Quran.

Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali, The Causes of the Laws ,translated by Mohammad Javad Mendani Tehrani, Qom, Mominin, 1380.

Ibn Jazi, Muhammad bin Ahmad, Al-Tashel for Uloom al-Tanzir, Beirut, Sharqa Dar al-Arqam bin Abi al-Arqam, 1416 AH.

Ibn Shuba Harrani, Hasan bin Ali bin Hossein bin Shuba ,Tohf al-Aqool, Qom, Ali Akbar Ghafari, 1363.

Abu Hayyan, Muhammad bin Youssef, Al-Bahr al-Masaf ,Beirut, Dar al-Fakr, 1420 AH.

Abu Ubaydah, Muammar bin Muthani, Majaz al-Qur'an, Cairo ,Al-Khanji Library, 1381 AH.

Erbali, Ali bin Isa, Kafsh al-Ghamma, translated and narrated by Zavarahi, Tehran, Islamia, 1382.

Amiri Shad Mehri, Ahmed, translation of Tafsir Jameem al-Jamae, Mashhad, Astan Quds Razavi, 1375.

A.M. Diakonov, History of Madh, translated by Karim Keshavarz, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company, 1380.

Bahrani, Hashim bin Suleiman, Al-Barhan, Qom, Al-Baath Institute, 1415 AH.

Bahrani, Seyyed Hashem, Al-Barhan fi Tafsir al-Qur'an ,Tehran, Ba'ath Foundation, Tehran, Volume 4, 1416 AH.

Bahrani, Seyyed Hashem, Madina al-Ma'ajj, Qom, Dar al-Hijah, 1383.

Baghvi, Hossein bin Masoud, Ma'alim al-Tanzir, Beirut, Dar ihya al-Trath al-Arabi, 1420 A.H.

Bin Nu'man, Muhammad bin Muhammad (Mufid), Al-Arshad in the knowledge of Hajjullah Ali Al-Abad, Qom, Darul Mufid, 1414 AH.

Baidawi, Abdullah bin Omar, Anwar al-Tanzir, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, 1418 AH.

Thaalabi, Ahmed bin Muhammad, al-Sakat wa al-Bayan ,Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, 1422 AH.

Jasas, Ahmed bin Ali, Akhmat al-Qur'an, Beirut, Dar İhya al-Trath al-Arabi, 1405 AH.

Hakim Haskani, Obaidullah bin Abdullah, Evidences of the descent, Tehran, Ministry of Guidance, 1411 AH.

Hali, Hasan bin Suleiman, a summary of Basa'er al-Darraj, Qom, Al-Rasoul al-Mustafi Publications, 1421 AH.

- Hawizi, Abdul Ali bin Juma, Noor al-Saqlain, Qom, Ismailian, 1415 AH.
- Rosen, Edward, Nicolaus Copernicus, Encyclopedia of America, International Edition, Volume 7, 1986.
- Rosso, Lucio, The Forgotten Revolution, Berlin, 2004.
- National Aeronautics and Space Administration (NASA), Sun ,Facts and Figures, Solar System Exploration, 2015 July 29.
- Sabzevari Najafi, Muhammad bin Habibullah, Irshad al-Azhan al-Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar al-Taqqin for printing, 1419 AH.
- Samarqandi, Nasr bin Muhammad, Tafsir al-Samrqandi, Beirut, Dar al-Fakr, 1416 AH.
- Siyuti, Abd al-Rahman bin Abu Bakr, Al-Dur al-Manthor, Qom, Marashi Najafi Library (RA), 1404 AH.
- Shearani, Hossein bin Abd al-Wahhab, Eyes of Miracles, Qom, Al-Davari School, 2015.
- Tabatabaei, Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Al-Alami Publishing House, 1351 AH.
- Tabatabayi, Mohammad Hossein, Al-Mizan, Beirut, Al-Alami Press Institute, 1390.
- Tabarani, Suleiman bin Ahmad, Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Irbid, Dar al-Kitab al-Thaqafi, 1429 AH.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan, Majmam al-Bayan, Tehran, Nasser Khosrow, 1372.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan, Jameed al-Jame, Qom, Qom seminary, 1412 AH.
- Tabari, Muhammad bin Jarir, Al-Bayan Mosque, Beirut, Dar al-Marafa, 1412 AH.
- Tousi, Muhammad bin Hassan, Al-Tabayan, Beirut, Dar Ihya Al-Trath al-Arabi, Beita.
- Akbari, Abdullah bin Hossein, Al-Tabayan fi Arab al-Qur'an, Riyadh, Bayt al-Afkar al-Dawliyya, Amman, Bit.
- Alam Al-Hadi, Ali Ibn Al-Husayn, Tanziyyah Al-Anbiya (AS), Qom, Al-Sharif Al-Razi, 1376.
- Ayashi, Mohammad Bin Masoud, Al-Tafseer, Tehran, Al-Mattabah Al-Alamiya, 1380.
- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar, Al-Mafiyat al-Gheeb, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, 1420 AH.
- Fara, Yahya bin Ziyad, Maani al-Qur'an, Cairo, Al-Hieh Al-Masriyyah Al-Ama Lal-Katab, 1359.
- Faiz Kashani, Mohammad Bin Shah Morteza, Al-Safi, Tehran, Al-Sadr Library, 1415 AH.
- Qommi, Ali bin Ibrahim, Tafsir al-Qami, Qom, Dar al-Kitab, 1363.
- Qomi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza, Kunz al-Daqaeq, Tehran, Ministry of Culture and Guidance, 1368.
- Kashani, Fathullah bin Shukrullah, Summary of Al Manhaj, Tehran, Islamia, 1363.

- Kashani, Fethullah bin Shukrullah, Manhaj al-Sadeghin, Tehran, Islamic bookstore, Beita.
- Kilini, Muhammad bin Yaqub, Kafi, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya, 1407 AH.
- Garman, Houshang, Newtonian theory of gravity, Tehran, Islamic Revolution Publishing and Education Organization, 1367.
- Matridi, Muhammad bin Muhammad, Tawilat Ahl al-Sunnah, Beirut, Dar Al-Kutub Al-Alamiya, 1426 AH.
- Mawardi, Ali bin Muhammad, Al-Naqt and Al-Ayoun, Beirut, Dar al-Kutub Al-Alamiya, Beita.
- Majlesi, Muhammad Taqi-bin Maqsood Ali, Lowame Sahib-Qarani, Qom, Ismailian, 1414 AH.
- Mofid, Mohammad bin Mohammad, Al-Irshad, translated by Mohammad Baqer Saedi-Khorasani, Tehran, Islamia, 2010.
- Mofid, Mohammad bin Mohammad, Amali, translated by Hossein Ostad Vali, Mashhad, Astan Quds Razavi, 1364.
- Muqatil Ibn Suleiman, Tafsir Muqatil, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, 1423 AH.
- Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir Nahosh, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyya, 1371.
- Maybadi, Ahmed bin Mohammad, Kafsh al-Asrar, Tehran, Amirkabir, 1371.
- Naiji Nouri, Mohammad Hossein, translated by Adeb al-Da'ee Ibn Fahd Hali, Tehran, Kia, 2013.
- Nahas, Ahmad bin Muhammad, Arabs of the Qur'an, Beirut, Dar al-Kutub al-Ulamiya, 1421 AH.
- Nellino, Carlo Alfonso, a review of the book of Islamic astronomy history, translated by Ahmad Aram, Tehran, Aftab, 1371.